

خویشکاری‌های منظومه‌های و همایون

بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ

لیلا عدل‌پرور^۱

دانشجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دکتر حمیدرضا فرضی^۲

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه زبان و ادبیات فارسی، تبریز، ایران

دکتر علی دهقان^۳

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه زبان و ادبیات فارسی، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵ / ۹ / ۹۵ تاریخ پذیرش: ۹۵ / ۹ / ۹۵)

چکیده

ولادیمیر پراپ، فولکلور شناس روسی، برای تجزیه و تحلیل قصه‌های پریان، الگویی را پیشنهاد کرده و معتقد است می‌توان این الگو را در مورد سایر قصه‌های عامیانه نیز به کار برد. منظومه‌های همایون و همایون از جمله داستان‌های عاشقانه است. در این مقاله سعی شد تا نمودار خویشکاری‌های پراپ و روش ریخت‌شناسانه وی در داستان همایون و همایون اجرا شود تا مشخص گردد نظریه پراپ تا چه اندازه با آن انطباق دارد. برای این منظور ابتدا مقدمه‌ای درباره تحلیل ساختاری متن و روش پراپ مطرح شده است. سپس کارکردهای پیشنهادی پراپ از قصه‌های همایون استخراج شده و همسانگردی پراپ با ذکر مثال‌هایی توضیح داده شد. یافته‌های این پژوهش گویای تطابق داستان همایون و همایون با کارکردهای ریخت‌شناسانه پراپ است و توالی کارکردهای مورد نظر پراپ با اندکی تغییر در این داستان دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ولادیمیر پراپ، خویشکاری، همایون و همایون، همسانگردی.

^۱ adlparvar@yahoo.com

^۲ farzi@iaut.ac.ir

^۳ aaadehghan@gmail.com

مقدمه

تحلیل ساختاری یکی از شگفت‌انگیزترین دستاوردهای نقد ادبی معاصر است. یکی از زمینه‌های موفقیت ساختارگرایی، روایت‌شناسی است. «روایت‌شناسی علم نسبتاً نوبنیانی است که به بررسی ساختارهای مختلف روایت، مانند؛ راوی، طرح، شخصیت و... می‌پردازد». (اخوت، ۱۳۷۱: ۲)

«می‌توان گفت که بررسی ساختاری داستان، به رغم میراثی که از ارسطو تا به امروز به جا مانده تقریباً از کاری که ولادیمیر پراپ روی حکایات پریان روسی انجام داد شروع شده است». (اسکولز، ۱۳۸۳: ۹۱)

پراپ در سال ۱۹۲۸ نخستین کتاب خود به نام «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» را به چاپ رسانید. ترجمه کتاب در محافل و در میان فلکلور شناسان با استقبال کم نظیری روبرو شد آن را بسیار نقد و تحسین کردند، روش‌های پراپ را سرمشق قرار دادند و از آن الهام گرفتند و «ریخت‌شناسی» به‌عنوان یک علم جدید و مفید مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفت». (خدیش، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۲)

پراپ در بررسی افسانه‌های جادویی به این نتیجه رسید که شخصیت‌های قصه‌ها مختلف‌اند، ولی عملکردهایی که دارند، محدود است. «اگر چه در این قبیل افسانه‌ها جزئیات زیادی وجود دارد، اما پیکره کلی آنها بر مجموعه اساسی کارکردهای سی و یک‌گانه بنا شده است». (سلدن و ویتسون، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

وی واحدهای سازنده روایت را «کارکرد» نامید. که مترجمان فارسی زبان «function» را به کارکرد خویشکاری، کنش و نقش ویژه ترجمه کرده‌اند. «خویشکاری» یا کارکرد یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات دارد تعریف می‌شود. خویشکاری شخصیت‌های قصه، سازه‌های بنیادی قصه هستند و قبل از هر چیز باید آن‌ها را جدا کرد. (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۲)

وی پس از تجزیه و تحلیل صد قصه به سی و یک خویشکاری دست پیدا می‌کند و هر کدام از آنها را با نمادی مشخص می‌کند:

جدول شماره ۱- خویشکاری پراپ

۱	β غیبت	۱۲	D اولین بخشنده	۲۳	O رسیدن به صورت ناشناس
۲	δ قدغن	۱۳	E واکنش قهرمان	۲۴	L ادعای قهرمان دروغین
۳	γ سریچی	۱۴	F دست یابی به وسیلهٔ سحرآمیز	۲۵	M کار سخت
۴	ϵ خبرگیری	۱۵	G انتقال به سرزمین دیگر	۲۶	N انجام کار سخت
۵	ζ خبردهی	۱۶	H مبارزه	۲۷	Q شناسایی
۶	η نیرنگ	۱۷	J علامت گذاری	۲۸	E _x افشاگری
۷	θ همکاری ناخواسته	۱۸	I پیروزی	۲۹	T تغییر شکل
۸	A یا شرّ a کمبود	۱۹	K رفع شرّ	۳۰	U مجازات
۹	B میانجیگری	۲۰	↓ بازگشت	۳۱	W عروسی
۱۰	C مقابلهٔ آغازین	۲۱	Pr تعقیب		
۱۱	↑ عزیمت	۲۲	R نجات		

هر یک از این سی و یک کارکرد دارای زیر مجموعه‌هایی هستند که فهرست کامل آن در کتاب ریخت‌شناسی پریان آمده است. «کارکردها و سازه‌ها به مثابهٔ بخش‌بندی جمله به واج‌ها و تک واژه‌ها هستند، اما دقت آن را ندارند». (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۶۸)

«پراپ برای تحلیل ساختاری جزییات را مدنظر قرار داد. توجه بیش از حد او به این عناصر، سبب شده تا برخی از محققان آن را به مثابه چیدن آجرهای ساختمانی در نظریه او تلقی کنند». (هارلند، ۱۳۸۵: ۲۴۷)

هدف وی این بود که بتواند به ساختار روایی همه داستان‌ها دست یابد. هدف روایت‌شناسی عبارت از کشف الگوهای عام روایت است که همه شیوه‌های ممکن برای گفتن داستان را در بر می‌گیرد. (برتنز، ۱۳۸۲: ۹۹)

با وجود انتقادات بر الگوی پراپ «کمتر نویسنده و نظریه‌پرداز را در زمینه ادبیات می‌توان یافت که به نوعی از شیوه‌ها و دیدگاه‌های پراپ و دنباله روانش تأثیر نپذیرفته باشد». (بیات و دیگران، ۱۳۷۷: ۳)

پیشینه تحقیق

پس از پراپ، مطالعات بسیاری در کشورهای مختلف انجام شد. در ایران پگاه خدیش (۱۳۸۴) درباره ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران تحقیقاتی انجام داد و به نتایج ارزنده‌ای دست یافت.

جلالی‌پور (۱۳۹۱) درباره ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی بر اساس روش ولادیمیر پراپ تحقیق کرده و به ۲۱ کارکرد دست یافت.

علاوه بر اینها مقالاتی نیز درباره ریخت‌شناسی برخی متون نوشته شده است:

قافله‌باشی و بهروز (۱۳۸۶) «ریخت‌شناسی حکایت‌های کشف‌المحجوب و تذکره‌الاولیاء» را بررسی و تحلیل کرده‌اند. خانفی و فیضی (۱۳۸۶) قصه سمک عیار را از این دیدگاه تجزیه و تحلیل کرده‌اند. ذوالفقاری (۱۳۸۹) با «ریخت‌شناسی افسانه عاشقانه گل بکاولی» معتقد است با اندک جابه‌جایی در خویشکاری‌ها و حذف برخی دیگر می‌توان نظریه پراپ را در مورد قصه‌های پریان ایرانی و هندی تسری داد. یوسفی نیکو (۱۳۸۹) با جستجو در «داستان پیامبران در تفاسیر سورآبادی و طبری» ۲۶ خویشکاری مشاهده کرد و به نتایج مشابهی دست یافت.

عباسی (۱۳۸۹) با «نقد و بررسی قصه گنبد سفید» معتقد است «سازه‌های قصه‌ای «گنبد سفید» بر اساس ریخت‌شناسی قصه پریان قابل تنظیم است. روحانی و قادیکلایی (۱۳۹۰) در بررسی «قصه دیوان در شاهنامه فردوسی» نشان داده است که الگوی پراپ با این قصه‌ها همخوانی دارد. آذر و پور سید (۱۳۹۰) داستان «گنبد سرخ» در هفت پیکر نظامی را بررسی کرده‌اند و به ۱۳ کارکرد دست یافته‌اند.

در تمام مقاله‌های مذکور و برخی دیگر از تحقیق‌های بررسی شده، اگر چه در مواردی عدم توالی کارکردها مشهود است، اما مؤلفان به نتیجه‌ای موافق با الگوی پراپ دست یافته‌اند. و ما در این مقاله قصد داریم داستان «همای و همایون» را از این دیدگاه مورد بررسی قرار دهیم.

معرفی خواجوی کرمانی و همایون:

«کمال‌الدین ابوعطا محمودبن‌علی‌بن‌محمود کرمانی، متخلص به خواجو، معروف به نخلبند شعرا متولد کرمان به سال ۶۹۸ هـ است.» (سبحانی، ۱۳۸۲: ۴۲)

«مجموعه آثارش قریب چهل و چهار هزار بیت است. دیوانش شامل دو بخش صنایع‌الکمال و بدایع‌الجمال است. دیگر آثار او عبارتند از: همای و همایون، گل و نوروز، کمال‌نامه، روضه‌الانوار، گوهرنامه، سام‌نامه. گزیده اشعارش به نام مفاتیح‌القلوب است. دو رساله دیگر به نام‌های «سبع‌المثانی» و «مناظره شمس و سحاب» دارد. وفاتش در شیراز در سال ۷۵۳ هـ واقع شده و آرامگاهش در شیراز در بیرون دروازه الله‌اکبر شیراز است.» (صفا، ۱۳۷۲: ۴۴-۴۸)

همای و همایون مثنوی است عاشقانه در داستان عشق همایون با همای دختر فغفورچین به بحر متقارب که خواجو آن را در سال ۷۳۲ در ۴۴۰۷ بیت به اتمام رسانید. در این منظومه گذشته از نظامی تأثیر سبک شاهنامه کاملاً محسوس است. (رضازاده، ۱۳۶۹: ۳۸۳)

منظومه همای و همایون خواجو، در میان همانندهای خود سرنوشتی استثنایی یافته است؛ بدین ترتیب که سال‌ها بعد گوینده ناشناس با تبدیل و تغییر و حذف اسامی، واژه‌ها و ابیات، و افزودن افسانه‌هایی از پریان و دیوان، منظومه سام‌نامه را در بیش از ۱۴۵۰۰ بیت پدید آورده است. (یان ریپکا، ۱۳۸۳: ۳۰۵)

در این مقاله سعی بر این است داستان همای و همایون، بر اساس خویشکاری‌های پراپ مورد بررسی قرارگیرد. ابتدا خویشکاری‌های اشخاص قصه را، از داستان همای و همایون استخراج کرده و بر می‌شماریم. سپس توضیحی در مورد خویشکاری داده، و نشانه قراردادی خویشکاری همراه با مثال‌هایی از داستان همای و همایون به‌عنوان نمونه، آورده می‌شود، تا مشخص شود، نظریه پراپ تا چه حد بر این داستان انطباق دارد.

خویشکاری‌ها و کارکردهای داستان همای و همایون

۱- کارکرد دور شدن یا غیبت: در این خویشکاری یکی از اعضای خانواده، از خانه غیبت می‌کند. شخصی که غیبت اختیار می‌کند می‌تواند یکی از اعضای نسل مسن‌تر

باشد. (β^1) یکی از شکل های حاد غیبت به صورت مرگ پدر و مادر نموده می شود. (β^2)
گاهی اعضای نسل جوانتر خانواده غیبت می گزینند. (β^3) (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۱)
۱-۱ غیبت همای β^3 : همای به علت دلتنگی از خانواده اش دور می شود.

یکی باد پا برق هامون نورد زمین کوب دریا برو چرخ گرد...
بیاورد و شهزاده را برنشاند چو باران گهر بر سرش برفشاند
(خواجو، ۱۳۷۰: ۲۸۷)

۱-۲ مرگ منوشنگ β^2 : طبق الگوی پراپ یکی از شکل های حاد غیبت مرگ پدر و مادر
است.

که شد سوی خلد از سپنجی سرای منوشنگ قرطاس خورشید رای
(خواجو، ۴۵۵)

۱-۳ مرگ همایون: وقتی پسر همایون به ده سالگی می رسد، همایون از دنیا می رود.
چو ده ساله شد آن مه چارده فرو شد همایون شبی همچو مه
(همان، ۴۵۷)

۲-کارکرد قدغن γ : این کارکرد به دو صورت امر و نهی به کار می رود.

۱-۲ کارکرد نهی γ^1 : در این کارکرد قهرمان قصه از کاری نهی می شود.

۱-۱-۲ همایون، همای را از تیمار و درد برحذر می دارد.

بگفتا مده دل به تیمار و درد که انده بر آرد ز غمخواره گرد
(همان، ۳۸۵)

۱-۲ لشکریان همای را از عشق ورزی به نقش همایون بر حذر می دارند:

مده دل به نقشی که باشد خیال که ممکن نباشد ز نقش اتصال
(همان، ۲۹۲)

۲-۲ دستور یا فرمان γ^2 : «شکل وارونه نهی به شکل امر یا پیشنهاد ابراز می گردد.»

(پراپ، ۱۳۸۶: ۶۲)

۱-۲-۲ پادشاه منوشنگ به همای می‌گوید اگر قصد شکار دارد به شکار برود و یک روزه برگردد:

و لیکن گرت صید آهو هواست به یک روز اگر باز گردی رواست
(همان، ص ۲۸۵)

۲-۲-۲ سعد بازرگان به همای توصیه می‌کند از زند جادوگر دوری کند.
ولی چون مرا با تو افتاد مهر حذر کن ازین جادوی دیو چهر
(همان، ۳۲۷)

۳-۲-۲ فغفور چین به وزیرش دستور می‌دهد همایون را پنهان کند:
که فغفور چین چون به دستور گفت که این در به درجی نباید نهفت
(همان، ۴۱۸)

۳- کارکرد سرپیچی و نقض نهی δ : این کارکرد بلافاصله پس از کارکرد نهی می‌آید.
۱-۲-۳ قهرمان موارد نهی شده را نقض می‌کند. δ^1 (پراب، ۱۳۸۶: ۶۳)
۱-۱-۳ همای به تعقیب گور می‌رود بازگشتش به تأخیر می‌افتد. از دستور پدر سرپیچی می‌کند.

چنان تا به گاه سپیده براند که مه در رکابش پیاده بماند
دم صبح بر جویباری رسید به خرم لب کشت زاری رسید
(خواجو، ص ۲۸۸)

۲-۱-۳ همای به توصیه لشکریان گوش نمی‌کند:
به پاسخ چنین گفت کای سروران مگوئید با من ز مه پیکران
چو آگه نه اید از دل ریش من مرانید ازینسان سخن پیش من
(همان، ۹۱۲)

۳-۱-۳ همای به توصیه سعد بازرگان عمل نکرده و می‌گوید باکی از زند جادو ندارد.

و لیکن نیندیشم از جادوی به جادو نمایم کف موسوی
(همان، ۳۲۷)

۲-۳ انجام دادن دستور یا فرمان^۵:

۱-۲-۳ وزیر، فرمان فغفور چین را اطاعت کرده و همایون را در قعر چاه پنهان می‌کند:
همایون بت روی را همچو ماه نهران کرد در قعر آن تیره چاه
(همان، ۴۱۸)

۲-۲-۳ همای به خواسته فغفور چین عمل می‌کند و همایون را به چین بر می‌گرداند:
به زرین عماری به ایوان رساند چو سرو روانش به بستان رساند
(همان، ۴۰۳)

۴-کارکرد پرس و جو یا خبرگیری^۶: «با این خویشکاری شخصیت جدیدی که می‌توان
او را اصطلاحاً شریر نامید، وارد قصه می‌شود. نقش او به هم زدن آرامش خانواده
خوشبخت، ایجاد یک نوع مصیبت، یا وارد آوردن صدمه و زیان است». (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۴)
۱-۴ خبرگیری شریر از قهرمان^۷: کشت زاری که همای بدانجا می‌رود اقامت‌گاه پری
است در این قصه پری نقش شریر را دارد که تعادل و آرامش زندگی همای را بر هم
می‌زند.

۱-۱-۴ پری به پیشواز همای آمده خبرگیری می‌کند تا اطلاعات لازم را در مورد او
به‌دست آورد:

که شاهها بدین جای چون آمدی شب اینجا بدی یا کنون آمدی
(همان، ۲۸۸)

۲-۴ خبرگیری قهرمان از شریر^۸: قهرمان آینده از شریر چیزهایی می‌پرسد.
(پراپ، ۱۳۸۶: ۶۵)

در داستان همای و همایون، قهرمان از شخصیت‌های دیگر داستان خبرگیری می‌کند.
۱-۲-۴ همای از سعد بازرگان پرس‌وجو می‌کند:

که اینجا ز بهر چه دارید جای و زینجا به سوی که دارید رای
(خواجو، ۳۲۶)

۲-۲-۴ همای در یک روز بهاری در کنار جویبار زیبارویی می‌بیند و از او پرس‌وجو می‌کند:

بپرسید که‌ای لعبت آذری مه نخشبی یا ملک یا پری
(همان، ۴۵۵)

۳-۴ خبرگیری به وسیله اشخاص دیگر^۳ E:

۱-۳-۴ سعد بازرگان در مورد نام و نشان همای سؤال می‌کند:

بفرما که فرخنده نام تو چیست مقامت کجا و نژادت ز کیست
(همان، ۳۲۵)

۳-۳-۴ همایون از همای پرس‌وجو می‌کند و در مورد نام و نشانش از او سؤال می‌کند:

بگفتا بدین جای کام تو چیست نژاد از که داری و نام تو چیست
(همای، ۳۸۴)

۵-کارکرد خبر دهی E: «شریر اطلاعات لازم را به دست می‌آورد». (پراب، ۱۳۸۶: ۶۵)

۱-۱-۵ همایون با سؤالاتی که از همای می‌کند اطلاعات لازم را به دست می‌آورد E:

بگفت ار بکوش بود راه من دو عالم بسوزد به یک آه من
(همان، ۳۸۵)

۲-۵ خبرگیری قهرمان از اشخاص دیگر^۳ E:

۱-۲-۵ خبردهی پری‌زاد به همای: پری‌زاد به همای پاسخ می‌دهد دختر خاقان چین

است:

منم دخت خاقان پری زاد نام در افتاده چون مرغ وحشی به دام
(همان، ۳۳۰)

۲-۲-۵ سعد بازرگان به همای خبر می‌دهد:

منم تاجر دخت فغفور چین و لیکن نژادم ز ایران زمین...

(همان، ۳۲۶)

۶- کارکرد فریب کاری یا نیرنگ η : در این خویشکاری شریر می‌کوشد قربانی را بفریبد تا بتواند بر او یا چیزهایی که به وی تعلق دارد دست یابد. (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۶)

۱-۶ به کار بردن وسایل جادویی به وسیله شریر η : همای وقتی وارد قصر پری می‌شود در آن جا دیبایی زرنگار می‌بیند که تصویر پری چهره بر آن نگاشته بودند. پری به او می‌گوید این تصویر دختر فغفور چین است. همای در آن تصویر خیره شده و از می‌عشق مست می‌شود.

در مورد عمل نیرنگ باید گفت که تصویر شهزاده چینی که همای می‌بیند، اگر چه نوعی ساحری محسوب نمی‌شود، اما نتیجه‌ای همچون نتیجه سحر را به دنبال دارد.

که نقشی برین گونه از کفر و دین نینینی مگر دخت فغفور چین...
(خواجو، ۲۹۰)

لشکریان همای که وی را از این عشق بر حذر می‌دارند به صراحت اعلام می‌کنند که تصویری که همای دیده جادویی است تا بدین وسیله وی را فریب دهند:

ترا جادو از ره برون می‌برد بدین نقش در دام خون می‌برد
(همان، ۲۹۲)

۷- همکاری ناخواسته θ : «قربانی به همه اغواگری‌های شریر تسلیم می‌شود، نهی و تحذیرها نقض می‌گردند، و پیشنهادها فریبنده مورد قبول قرار می‌گیرد». (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۸)

۱-۷ قهرمان بی اختیار مغلوب تأثیرات عوامل جادویی می‌شود θ : همای نمی‌داند پری سعی می‌کند وی را با تصویر فریب دهد. به همین خاطر درخواست وی را قبول می‌کند.

ندانست شهزاده کان خود پری ست که از مهر دل شاه را مشتری ست
(خواجو، ۲۸۹)

۲-۷ قهرمان تسلیم فریب‌های شریر می‌شود θ : فغفور چین با دادن وعده ازدواج همای با همایون، وی را فریب می‌دهد و هر دو را به چین بر می‌گرداند.

علم بر در چین بر افراختند چو آهوی مشکین به چین تاختند
(همان، ۴۰۳)

۸- شرارت A یا کمبود a: پراپ معتقد است عناصر A (شرارت) یا a (کمبود) برای هر قصه‌ای ضروری است و صورت‌های دیگری از فاجعه و گره در قصه وجود ندارد.

(پراپ، ۱۳۶۸: ۷۹)

۸-۱ شرارت A: این خویشکاری اهمیتی استثنایی دارد، زیرا با آن تحرک واقعی قصه آغاز می‌شود. غیبت، نادیده گرفتن نهی، خبردهی و... راه را برای این خویشکاری آماده می‌سازد. (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۹)

۸-۱-۱ شرارت پری: پری شریری است که همای را افسون می‌کند. A^{11} و به زور او را برای ازدواج می‌خواهد. A^{16} و پس از فریب دادن همای ناپدید می‌شود.

نه گلزار دید و نه قصر بلند نه بستان سرای و نه کحلی پزند
به یاد آمدش صورت دلربا گهر ریخت از جزع بر کهربا
(خواجو، ۲۹۱)

۸-۱-۲ شرارت ربودن قهرمان A^1 : قصه ممکن است مصیبت و بدبختی دیگری برای قهرمان در آستین داشته باشد. شرارت آغازین قصه تکرار می‌شود. (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۲۲)

شریر دوّم، زنگی آدم خوار به نام سمندون است که همای را می‌رباید.

مرو را سمندون زنگی لقب کمین کرده بر کاروان روز و شب...
گرفتند فرزانه بهزاد را دگر ره همای نکو زاد را
(خواجو، ۲۹۷)

۸-۱-۳ شرارت زند جادو: که به دزدی و چپاول می‌پردازد. (A^5) و راه گذر کاروانیان را بسته است.

درو زند جادو گرفته قرار فرو بسته بر مرغ و ماهی گذار
(همان، ۳۲۶)

۸-۱-۴ شرارت زندانی کردن قهرمان A^{15} : فغفور چین همای را در توران دژ زندانی می‌کند.

همان دم بفرمود کاندز زمان در آرند شه را به بند گران...
(همان، ۳۶۳)

۸-۱-۵ شرارت طرد کردن قهرمان ^۹A: همای پس از این که توسط سمن رخ آزاد می‌شود به ملاقات همایون می‌آید اما همایون وی را طرد کرده و می‌گوید به نزد سمن رخ برگرد.

چه گویی ز راه دراز آمدم برو باز گرد از تو باز آمدم
(همان، ۳۷۱)

۸-۱-۶ شرارت اغواکردن فغفور همای را ^A: «شریر قربانی خود را می‌طلبد، یا اغوامی کند و به دام می‌اندازد. معمولاً این صورت نتیجه یک پیمان خدعه‌آمیز است».
(پراب، ۱۳۸۶: ۷۳)

فغفور با دادن وعده ازدواج به همای از او می‌خواهد همراه همایون به چین برگردد و با این نیرنگ همای را اغوا کرده و زندانی می‌کند.

که گر زانک مهلت دهد شهریار به ماهی توان کرد ترتیب کار
تو فرزندی و تاج و تخت تراست که جز با تو پیوند کردن خطاست...
(خواجو، ۳۹۹-۴۰۰)

۸-۲-۲ نیاز یا کمبود a: وقتی قصه‌ای «شرارت» را ندارد، با کمبود آغاز می‌شود. (همان، ۱۷۷)
۸-۲-۱ نیاز به عروس یا همسر برای یک نفر^۱a: تصویری که همای در قصر پری می‌بیند گویاترین مثال در این مورد است که همای با دیدن آن جستجوی خود را آغاز می‌کند. «قهرمان داستان کمبود یا نبودن چیزی را از طریق شخصیت‌های میانجی در می‌یابد.» (پراب، ۱۳۸۶: ۱۵۷)

پری نیز نقش میانجی دارد که همای کمبود و فقدان را از طریق وی در می‌یابد و پری از همای می‌خواهد که با دیده باطن در تصویر دختر فغفور چین بنگرد:

درین صورت از راه معنی ببین فرو مانده صورت پرستان چین
(خواجو، ۲۹۰)

۸-۲-۲-۲ نیاز به داشتن فرزند^۲a: پادشاه منوشنگ با وجود داشتن رفاه و آسایش آرزوی داشتن فرزندی را در سر می‌پروراند. تنها خواسته‌اش از خداوند این بود که فرزندی به وی عطا کند.

به فرزند بودیش دایم هوس ز یزدان همین حاجتش بود و بس
(خواجو، ۲۸۵)

۹- میانجی‌گری، رویداد ربط‌دهنده **B**: «در این خویشکاری مصیبت یا نیاز علنی می‌شود؛ از قهرمان قصه درخواست و یا به او فرمان داده می‌شود که به اقدام پردازد». (پراب، ۱۳۸۶: ۸۰)
۹-۱ قهرمان مستقیماً اعزام می‌شود **B**: در داستان همای ندای سروش به گوش همای می‌رسد و به او پیشنهاد می‌کند برای رسیدن به دلبر باید رنج سفر بر خود هموار کند.
ره چین سپر چون مغ بت پرست که در چین دهد نقش فرخار دست
(خواجو، ۲۹۱)

۹-۲ بردن قهرمان از جایی به جای دیگر **B**: مأموران فغفور چین همای را در توران دژ زندانی می‌کنند خودشان به چین بر می‌گردند.
به توران دزش آشیان ساختند به بند گرانس در انداختند
وز آنجا نهادند رخ سوی چین سری پر ز شور و دلی پر زکین
(همان، ۳۶۳)

۹-۳ نوحه سرایی قهرمان **B**: همای در زندان نوحه سرایی می‌کند.
بنالید از گردش روزگار بر آشفته از بنخت آشفته کار
(همان، ۳۶۴)

۹-۴ آزاد شدن مخفیانه قهرمان **B**: همای مخفیانه توسط یاریگری به نام سمن رخ آزاد می‌شود.

چو یک نیمه بگذشت از آن تیره شب به زندان در آمد مهی قند لب...
چو بند گرانس سبک بر گرفت چو سرو روانش به بر در گرفت
(همان، ۳۶۷)

۱۰-۱ مقابله آغازین **C**: قهرمان به دنبال تصمیم ارادی، به جستجو می‌پردازد. (پراب، ۱۳۸۶: ۸۴)
۱۰-۱ همای به پیشنهاد سروش تصمیم می‌گیرد به جستجوی معشوق به دشت و صحرا رود:

ملک زاده را جمله در جست و جوی به هر سو نهاده بر آن دشت روی
(خواجو، ۲۹۲)

- ۱۰-۲ همای به قصد مقابله و نبرد با زند جادو به زرینه دژ می‌رود.
 پس آنگه به زرینه دژ کرد روی بر آهنگ جادو شده جنگ جوی
 (همان، ۳۲۷)
- ۱۱- کارکرد عزیمت \uparrow : در این خویشکاری عزیمت معنایی متفاوت از غیبت موقتی که خود یکی از عناصر قصه است دارد. (پراپ، ۱۳۸۶: ۸۵)
- ۱۱-۱ عزیمت همای \uparrow : همای پس از این که تصمیم می‌گیرد به جستجو پردازد از لشکریان می‌خواهد پیغام وی را به پدر و مادرش برسانند و بگویند جگر گوشه شما به سرزمین ختن رفت.
 و گر پرسد از من منوشنگ شاه بگویند کای شاه گیتی پناه...
 خطا کرد و راه ختن بر گرفت دل خسته از جان و تن بر گرفت
 (خواجو، ۲۹۴)
- ۱۱-۳ عزیمت همایون: همایون به خاطر جستجوی همای حرکت می‌کند.
 چو مهجور ماند از وفادار خویش خجل شد ز گفتار و کردار خویش
 چو مه بر ابر که کوهه بست چو خورشید بر کوهه زین نشست...
 (همان، ۳۸۲)
- ۱۲- کارکرد بخشنده D : در این خویشکاری شخصیت جدیدی وارد قصه می‌شود؛ این شخصیت را می‌توان بخشنده یا تدارک بیننده نامید. (پراپ، ۱۳۸۶: ۸۶)
- ۱۲-۱ اولین بخشنده D^V : همای و بهزاد، پس از رهایی از دست زنگیان، جمعی را می‌بیند که به سوی آنان آمده و می‌گویند: رسمی کهن در شهر ماست که وقتی عمر شاه به پایان رسید، نخستین کسی که از راه می‌رسد به سلطانی برگزینیم. بخشندگان از همای درخواست می‌کنند که پادشاهی سرزمین خاور را بپذیرد.
 بدان ای جهانجوی کشور گشا که رسمی قدیم است در شهر ما
 که چون شاه ما را سر آید جهان به صحرا رویم از کهان و مهان
 هر آنکو ز ره پیشتر در رسد به سلطانی ملک خاور رسد
 (خواجو، ۳۰۰)

۱۲-۲ دومین بخشنده D^2 : طبق الگوی پراپ «بخشنده به قهرمان سلام می‌کند و از او پرسش‌هایی می‌کند. این صورت را می‌توان گونه ضعیف‌تری از آزمون شمرد».

(پراپ، ۱۳۸۶: ۸۷)

بخشنده دوم پیرمردی به نام سعد بازرگان است در مورد نام و نشانش سؤال می‌کند:
 بفرما که فرخنده نام تو چیست مقامات کجا و نژادت ز کیست
 (خواجو، ۳۲۵)

۱۲-۳ بخشنده سوم D^1 : بخشنده سوم همایون است که همای را می‌آزماید، همایون برای آزمودن همای از وی سؤالاتی می‌پرسد تا به میزان عشق وی پی ببرد.

گرش زانکه می‌آزمایی رواست که در زور و مردانگی تا کجاست
 (همان، ۳۸۴)

۱۳-۱ واکنش قهرمان E : «در این خویشکاری قهرمان در برابر نخستین خویشکاری بخشنده، واکنش مثبت یا منفی نشان می‌دهد. (پراپ، ۱۳۸۶: ۹۱-۹۲)

۱۳-۱ واکنش همای E^V : همای به درخواست افرادی که از وی می‌خواهند پادشاهی را بپذیرد پاسخ مثبت می‌دهد، حکومت را به دست می‌گیرد و وزارت خود را به بهزاد می‌سپارد:

به ناکام کام دل از سر نهاد چو خورشید رخ سوی خاور نهاد...
 به سر بر نهادند تاج زرش فشانند لعل و گهر بر سرش
 (خواجو، ۳۰۰)

۱۳-۲ واکنش قهرمان E^2 : همای به سؤالات سعد بازرگان پاسخ می‌دهد:

غریبم ز اقصای شام آمده چو آهوی وحشی به دام آمده
 (همان، ۳۲۵)

۱۳-۳ واکنش قهرمان E^1 : همای به سؤالات همایون، پاسخ می‌دهد:

بگفتا که گر جان دهم در خور است چو جانم همایون مه پیکر است
 (همان، ۳۸۴)

۱۴-۱ انتقال از سرزمینی به سرزمین دیگر G : در این خویشکاری قهرمان به مکان چیزی که در جستجوی آن است انتقال داده می‌شود، یا راهنمایی می‌شود. (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

- ۱۴-۱ قهرمان بر روی زمین یا دریا سفر می‌کند^{G^۲}: همای به سرزمین خاور می‌رود.
همای سپهری ز چرخ برین همای آشیان کرد خاور زمین...
(خواجو، ۳۰۱)
- ۱۴-۲ قهرمان پرواز می‌کند^{G^۱}: بهزاد و فرینوش برای یافتن همای به معبر صعب‌العبوری می‌رسند بهزاد با اسب خود پرواز می‌کند و از آن گذرگاه باریک می‌گذرد.
فرینوش چینی دران تیره شب ز شبرنگ بهزادش آمد عجب
کزان گونه پرواز کرد از هوا فرود آمد از کوه چون اژدها
(همان، ۴۲۱)
- ۱۵- رسیدن به صورت ناشناس^O: طبق الگوی پراپ «در اینجا دو رده درخور تشخیص است:
(۱) به خانه رسیدنی که در آن قهرمان نزد صنعت‌گران به سر می‌برد.
(۲) به دربار پادشاهی می‌رسد در عین حال گاهی لازم می‌نماید که رسیدن ساده را همین‌گونه بنمایانیم.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۲۵)
- ۱۵-۱ همای در صحرا سواری ناشناس می‌بیند که شتابان به سوی آنها می‌آید.
چو شهزاده رخ سوی صحرا نهاد سواری بر آمد ز صحرا چو باد
(خواجو، ۳۱۴)
- ۱۶- شناسایی قهرمان^Q: «قهرمان از روی علامتی، داغی یا از روی چیزی که به او داده می‌شود شناخته می‌شود.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۲۹)
- ۱۶-۱ شناسایی همای توسط لشکریان: لشکریانی که به تعقیب همای می‌آیند از روی تیری که نام همای بر روی آن نوشته شده (علامتی برای شناسایی قهرمان) وی را می‌شناسند.
نوشته بران نام فرخ همای شه عالم آرای خورشید رای
ز شادی سران سپاه و سپاه ز زین در فتادند بر خاک راه
(خواجو، ۳۹۱)
- ۱۷- تغییر شکل^T: «قهرمان شکل و ظاهر جدید پیدا می‌کند.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

۱۷-۱ تغییر شکل همای T^3 : همای در گفتگو با سعد بازرگان خود را به شکل بازرگانی درآورده و خود را قیس پسر قیسان بازرگان معرفی می‌کند.

مرا قیس قیسان شامی ست نام به چینم هوا و مقامم به شام
منم پور قیسان بازرگان زبون گشته بر دست خونخوارگان
(خواجو، ۳۲۶)

۱۷-۲ تغییر شکل همایون T^2 : همایون برای آزمودن میزان زور و مردانگی همای، چهره‌اش را می‌پوشاند و خود را «هام» معرفی می‌کند.

مرا هام خوانند جنگ آوران همه سرفرازان و کد آوران
(همان، ۳۸۶)

۱۸-۱ کار سخت M : «کار و مأموریت دشوار به قهرمان داده می‌شود.» (پراب، ۱۳۸۶: ۱۲۶)
همای با ورود به زرینه دژ با دریای آتش روبرو می‌شود.

جهان دید از آتش به جوش آمده ز تابش فلک در خروش آمده ...
(خواجو، ۳۲۷)

۱۹-۱ دست یابی به وسیله سحر آمیز F : «پراب می‌گوید چیزهایی که یاد می‌کنیم همه می‌توانند به‌عنوان یک عامل جادویی عمل کنند: (۱) جانوران، (۲) اشیایی مانند سنگ آتشنه یا انگشتری (۳) اشیایی که دارای خواص جادویی هستند (۴) صفات و توانایی‌هایی که مستقیماً به قهرمان داده می‌شود.» (پراب، ۱۳۸۶: ۹۴)

۱۹-۱ دریافت عامل جادویی F : همای با گفتن اسم اعظم از دریای آتش می‌گذرد.
«موضوع تأثیر نام یزدان در باطل کردن سحر ساحران در حماسه‌های ملی ایران سابقه دارد ایرانیان چون به جادو گرفتار می‌شدند به نام یزدان و یاری او بر آن فایق می‌شدند.»
(صفا، ۱۳۷۴: ۳۲۸)

خدا را به اسماء اعظم بخواند عنان برزد و اسب سرکش براند
در آتش جهاند ادهم دستکش گذر کرد از آتش سیاوخش و ش
(خواجو، ۳۲۷)

۱۹-۲ دریافت هدیه مادی^۱ f: سمن رخ سلاح و اسبی به همای می دهد:
 از آن پس ملک را مه خوش بیاورد دستی سلاح تمام
 خرامدگر باد پایی چو ابر بهار نوندی زمین کوب و دریا گذار
 (همان، ۳۶۹)

۲۰- مبارزه^۱ H: درگیری و نبرد بین قهرمان و شریر کشمکش نامیده می شود.
 (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

۲۰-۱ نبرد و درگیری با زند جادو^۱ H: همای با زند جادوگر در فضایی باز
 می جنگد.

پدید آمد از دامن کوهسار یکی دیو پتیاره مانند قار...
 چنان زد بران پیل پیکر پلنگ که از سهم تیرش فرو ریخت چنگ
 (خواجه، ۳۲۸)

۲۰-۲ نبرد همای با همایون:
 به هم در فتادند چون پیل مست یکی و تیغ و دیگر کمندی به دست
 (همان، ۳۸۷)

۲۰-۳ نبرد همای با فغفور چین^۱ H:
 بر آورد از پیل و از شاه گرد بزد شه رخ و شاه را مات کرد
 (همان، ۴۲۹)

۲۱- کارکرد پیروزی^۱ I:
 ۲۱-۱ پیروزی همای در نبرد با زند جادو^۱ I: با یاری خداوند همای بر زند
 جادو غلبه می کند.

بزد بر کمرگاه زند نژند سر و دست و دوشش به صحرا فکند
 (همان، ۳۲۸)

۲۱-۲ پیروزی همای در نبرد با همایون:
 به کردار برق از تکاور بجست سرش را زتن خواست ببرید پست
 (همان، ۳۸۸)

۲۱-۳ پیروزی همای بر فغفور چین و کشتن وی:

بیازید چنگ و بغل برگشود به خنجر سرش را زتن در ربود
(همان، ۴۲۹)

۲۲- انجام کار سخت یا حل کردن مسئله دشوار N:

۲۲-۱ عبور از آتش: همای خداوند را به اسم اعظم خواند و از دل آتش عبور کرد:

خدا را به اسماء اعظم بخواند عنان برزد و اسب سرکش براند
در آتش جهانند ادهم دستکش گذر کرد از آتش سیاوخش و ش
(خواجو، ۳۲۷)

۲۲-۲ گشودن گنج کیخسرو^۱: همای با شکستن طلسم‌ها گنج کیخسرو را به دست می‌آورد.

چوبر خواندی این لوح سیمین تمام زما بر تو بادا درود و سلام...
بیازید بازو و بگشود دست در و قفل و زندان بهم در شکست
(همان، ۳۳۲)

۲۲-۳ آزاد کردن اسیر^۱ k: همای، پری‌زاد دختر عموی همایون را، از اسارت آزاد می‌کند:

به گیسو فرو بسته در پای تخت برو سایه افکنده زرین درخت...
(همان، ۳۳۰)

۲۲-۴ شکستن طلسم^۱ k: «یکی از طلسم‌هایی که زند جادو بر پا کرده بود نقشی به شکل شیر بود که همای هنگام جست‌وجوی زر و سیم با آن روبرو می‌شود. سروش از طلسم بودن آن نقش به همای خبر می‌دهد.» (قدمیاری، ۱۳۹۲: ۲۳۳)

کمین کرده بر در یک نره شیر ز بالای که رخ نهاده به زیر...
شهنشه بغرید و بگشود دست به زخم عمودش بهم در شکست
(خواجو، ۳۲۹)

۲۳- کارکرد رفع شرّ K: مصیبت آغاز قصّه التیام می‌پذیرد.

(پراب، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

۲۳-۱ رفع شرّ زند جادو^۵ K: همای با کشتن زند جادو، گنج زیادی به دست می‌آورد.

چو شد گنج زیرینه دز بر گشاد جهان را بشد گنج قارون ز یاد
(همان، ۳۳۴)

۲۳-۲ رفع کمبود پادشاه منوشنگ K^۶: فقدان بی‌فرزندگی منوشنگ با تولد همای، رفع می‌شود.

ازین چار مادر و زان نه پدر یکی طفلش آمد قضا را پسر
(همان، ۲۸۵)

۲۴-۲ کارکرد بازگشت^۷: بازگشت عموماً به همان صورت‌هایی تحقق می‌پذیرد که رسیدن و درآمدن قهرمان به صحنه قصّه است. (پراب، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

۲۴-۱ بازگشت همای: همای پس از ازدواج با شنیدن خبر مرگ پدرش به شام برمی‌گردد:

به روزی نکو شاه شاهان دهر به فال همایون در آمد به شهر...
برآمده تخت منوشنگ شاه برافراخت از چرخ اطلس کلاه
(خواجو، ۴۵۶)

۲۵- کارکرد ادّعای قهرمان دروغین L: «قهرمان دروغین ادّعای بی‌پایه می‌کند».

(پراب، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

همایون ادّعای پهلوانی کرده و می‌گوید: اگر همای، مثل اسفندیار و اسکندر باشد قدرت مقابله با وی را ندارد.

من آن شیر گیر پلنگ افکنم که چنگال در شیر گردون زن...
گر اسفندیاری ور اسکندری هم اکنون ز دستم کجا جان بری...
(خواجو، ۳۸۶)

۲۶- کارکرد رسوایی قهرمان دروغین (EX):

۱-۲۶ همای، همایون (که خود را هام معرفی کرده است) را بر زمین می‌زند و می‌خواهد سر از تنش جدا کند که همایون کلاهخود را از سرش برمی‌دارد و همایون شناسایی می‌شود. ادعاهای دروغین همایون فاش می‌شود و وی شناسایی و رسوا می‌شود.

بخندید و گفت ای شه پاک دین همایون منم دخت فغفور چین
اگر زانک این با همایون کنی ندانم که با دیگران چون کنی
(همان، ۳۸۸)

۲-۲۶ کارکرد افشاگری Ex: با پیدا کردن و رها ساختن همایون از زندان وزیر، ادعای دروغ فغفور چین آشکار می‌شود.

علم بر سر حفره بفراشتند سر روزن حفره برداشتند
چو دیدند در قعر آن تیره چاه پری چهره ای همچو تابنده ماه
(همان، ۴۲۶)

۲۷- کارکرد تعقیب^۲ Pr: «تعقیب‌کنندگان شخص گناهکار را طلب می‌کنند».

(پراب، ۱۳۸۶: ۱۱۸)

لشکریان به تعقیب همای و همایون می‌آیند.

همه گرد بتخانه لشکر گرفت نفیر تبیره جهان بر گرفت
(خواجو، ۳۹۰)

۲۸- کارکرد نجات و رهایی قهرمان از دست تعقیب‌کنندگان Rs:

۱-۲۸ همای تیری به طرف لشکریان می‌اندازد وقتی آنها بر روی تیر نام همای را می‌بینند وی را می‌شناسند و همای و همایون از دست تعقیب‌کننده‌ها نجات می‌یابند:

چو از دور دیدند فر همای فتادند در زیر پر همای
(همای، ۳۹۱)

۲۹- کارکرد مجازات^۳ U: «شریر یا قهرمان دروغین مجازات می‌شوند».

(پراب، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

۲۹-۱ فغفور چین پس از آشکار شدن ادعای دروغش مجازات می شود و به سزای عملش می رسد.

اگر زانک بد کرد فغفور دید ز تیغم چشید آنچه باید چشید...
(خواجو، ۴۳۳)

۳۰-۳ عروسی W^{**} : قهرمان ازدواج کرده و بر تخت پادشاهی می نشیند.

۳۰-۱ همای پس از کشتن فغفور چین با همایون ازدواج می کند و بر تخت پادشاهی می نشیند.

پس آنگه گرفتش بلورینه دست به رسم ملوک عجم عقد بست
(همان، ۴۴۲)

اگر کارکردهای داستان همای و همایون با سی و یک کارکرد پراپ، مقایسه شود بدون در نظر گرفتن کارکردهای تکراری از سی و یک کارکرد پراپ، سی کارکرد در داستان همای و همایون وجود دارد.

جدول شماره ۲- خویشتکاری های استخراج شده از همای و همایون

شماره	خویشتکاری	شماره	خویشتکاری	شماره	خویشتکاری
۱	β غیبت	۱۱	↑ عزیمت	۲۱	خویشتکاری ابپروزی
۲	δ قدغن	۱۲	D ولین بخشنده	۲۲	N انجام کار سخت
۳	γ سرپیچی	۱۳	E واکنش قهرمان	۲۳	K رفع شر
۴	ϵ خبرگیری	۱۴	انتقال به سرزمین G دیگر	۲۴	✓ بازگشت
۵	کخبردهی	۱۵	رسیدن به صورت O شناس	۲۵	ادعای قهرمان دروغین L
۶	η نیرنگ	۱۶	Q شناسایی	۲۶	E_x فشارگری
۷	همکاری θ ناخواسته	۱۷	T تغییر شکل	۲۷	P_2 تعقیب
۸	یا α کمبود A شر	۱۸	M کار سخت	۲۸	R نجات
۹	B میانجیگری	۱۹	دست یابی به وسیله F سحر آمیز	۲۹	L مجازات
۱۰	C مقابله آغازین	۲۰	H مبارزه	۳۰	W عروسی

همسانگردی:

در داستان همای و همایون مواردی است که به نظر می‌رسد برخی از کارکردها تکرار شده است که این موارد از همسانگردی خویشکاری‌ها محسوب می‌شود.

مراد پراپ از همسانگردی «مواردی است که یک خویشکاری واحد، معنای ریخت‌شناسی دوگانه‌ای دارد». (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴۵) به‌عنوان مثال:

۱- پری نقش میانجی (B) دارد که همای کمبود و فقدان را از طریق وی درمی‌یابد. پری از همای می‌خواهد که با دیده باطن (امر^۲ γ) در تصویر دختر فغفور چین بنگرد و چون با وسوسه‌های خود همای را در نقض نهی پدرش ترغیب می‌کند به نوعی در ایجاد شرارت و افسون‌کردن (A^{11}) همای و مجبور کردن او به ازدواج (A^{16}) با همایون نقش دارد.

۲- شکستن طلسم نقش شیر توسط همای معنای ریخت‌شناسی دوگانه‌ای دارد یعنی همای همزمان با کارکرد رفع شر (K^A) کار سخت نیز (N) انجام می‌دهد.

سروش با مطلع کردن همای از طلسم بودن آن نقش، همای را از ماجرا باخبر کرده (آگاهانیدن §) و با میانجیگری (B) به وی کمک می‌کند و به او سفارش می‌کند هوشیار باشد (امر^۲ γ).

۳- پیروزی همای بر زند جادو معنای ریخت‌شناسی دوگانه دارد که هم زمان بر حریف غلبه می‌کند (I^1) و با کشتن وی رفع‌شر^۵ (K^5) و کار سخت (N) را نیز با موفقیت انجام می‌دهد.

۴- همای با آزاد کردن پری‌زاد از زندان زند جادو، اسیری را آزاد کرده (K^{10}) و با شکستن طلسم این کار سخت (N) را با موفقیت انجام می‌دهد.

۵- همایون پس از طرد کردن همای پشیمان می‌شود و به دنبال وی می‌رود و برای آزمودن همای سؤالاتی می‌پرسد. همایون بخشنده‌ای است که همای را می‌آزماید (D) و با تغییر قیافه و نیرنگ (η) از او پرس‌وجو می‌کند (E) و

لافزنی و ادعای پهلوانی می‌کند (L).

۶- همای وقتی به ملاقات همایون می‌رود باغبانی از او سؤال می‌کند که کیست و چرا بدان‌جا آمده است، همای با او درگیر می‌شود. باغبان از همای خبرگیری کرده (E) و با امر و نهی (Y) به او به نوعی در ایجاد شرارت (A) و تهدید همای دست دارد.

نتیجه

در این نوشتار سعی شد کارکردهای سی و یک گانه پراپ، با منظومه همای و همایون تطبیق داده شود و نتایج آن با نتایج کار پراپ مقایسه شود. با مقایسه جدول خویشکاری‌های همای و همایون (جدول شماره ۱) با الگوی پراپ (جدول شماره ۱) مشخص می‌شود:

- از سی و یک کارکرد پراپ، سی کارکرد در داستان همای و همایون وجود دارد و به غیر از کارکرد نشان گذاشتن و داغ کردن بقیه کارکردها مطابق با الگوی پراپ است. پراپ اشاره کرده است که هیچ‌گاه قصه‌ای یافت نمی‌شود که این سی و یک خویشکاری تماماً در آن به‌کار رفته باشد. این سی کارکرد عناصر ثابت و پایدار قصه همای و همایون را تشکیل می‌دهند و سازه‌های بنیادی این اثر محسوب می‌شوند.

- در توالی کارکردها جابجایی اندک با الگوی پراپ دیده می‌شود. طبق الگوی پراپ کارکردهای؛ رسیدن به‌صورت ناشناس، شناسایی قهرمان و تغییر شکل بعد از کارکردهای مبارزه و پیروزی است اما در داستان همای و همایون این کارکردها بعد از مبارزه و پیروزی است.

در الگوی پراپ کارکردهای تعقیب و نجات قهرمان بعد از کارکرد بازگشت است اما در داستان همای و همایون بعد از رسوایی قهرمان دروغین و قبل از مجازات وی است.

در نگاهی کلی می‌توان نتیجه گرفت توالی کارکردها تا شماره ۱۳ کاملاً با الگوی پراپ مطابقت داشته اما از شماره ۱۴ به بعد توالی کارکردها با اندکی

جابجایی با الگوی پیشنهادی پراپ آمده است.

طبق توضیح پراپ این جابجایی‌ها توالی خویشکاری‌ها را نقض نمی‌کند و توالی جدید به وجود نمی‌آورد.

- در برخی کارکردها همسانگردی مشهود است یعنی یک کارکرد معنی ریخت‌شناسی دوگانه دارد و یک شخصیت همزمان دو یا سه عمل را با هم انجام می‌دهد.

- طبق الگوی پراپ؛ قصه با غیبت قهرمان داستان آغاز می‌شود، با نادیده گرفتن نهی و نقض‌ها زمینه برای ایجاد شرارت فراهم می‌شود، با مبارزه و درگیری قهرمان با شریر و ضد قهرمان ادامه می‌یابد و در نهایت با مجازات شریر و عروسی و رسیدن قهرمان به پادشاهی خاتمه می‌یابد. همین توالی کارکردها در داستان همای و همایون مشهود است و ساختار کلی داستان همای و همایون نیز با این توالی مطابقت دارد.

بنابراین یافته‌های پژوهش بیانگر این است که داستان همای و همایون با الگوی پیشنهادی پراپ مطابقت دارد.

فهرست منابع

۱. اخوت، احمد، (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، اصفهان: نشر فردا، چاپ اول.
۲. اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، تهران: آگه، چاپ دوم.
۳. برتنس، هانس، (۱۳۸۳)، مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر ماهی، ۲۸۸ص.
۴. پراپ، ولادیمیر، (۱۳۸۶)، ریخت‌شناسی قصه پریان، تهران: ترجمه فریدون بدره‌ای، توس، چاپ دوم.
۵. تسلیمی، علی، (۱۳۸۸)، نقد ادبی؛ نظریه‌های ادبی و کاربرد آن در ادبیات فارسی، تهران: کتاب آمه.
۶. جلالی‌پور، بهرام، (۱۳۹۱)، ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی بر اساس روش ولادیمیر پراپ، تهران: انتشارات افراز، چاپ اول، ۱۹۹ص.
۷. خدیش، پگاه، (۱۳۸۷)، ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۶۴۶ص.
۸. خواجه‌جوی کرمانی، (۱۳۷۰)، خمسه خواجه‌جوی کرمانی، کرمان: به تصحیح سعید نیازکرمانی، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول، ۷۶۰ص.
۹. رضازاده، شفق، (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات آهنگ، چاپ اول.
۱۰. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات ایران، جلد ۴/۳/۲، تهران: انتشارات فردوسی.
۱۱. سبحانی، توفیق، (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ۲، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۲۰۰ص.
۱۲. سلدن، رمان و ویتسون، پیتر، (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۳. هارلند، ریچارد، (۱۳۸۵)، پیش‌درآمدی تاریخی بر مطالعه نظریه ادبی از افلاطون تا بارت، تهران: گروه مترجمان زیر نظر شاپور جورکش، چاپ دوم، نشر چشمه.
۱۴. ریپکا، یان، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات ایران، با ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات سخن.

فهرست مقالات

۱۵. آذر، عباس و پور سید، سیده معصومه، ۱۳۹۰، «ریخت‌شناسی گنبد سرخ در هفت پیکر نظامی»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی و سبک‌شناسی، (علمی - پژوهشی)، ش ۴، ص ۳۰-۹.
۱۶. ذوالفقاری، حسن، ۱۳۸۹، ریخت‌شناسی افسانه «گل بکاولی»، فصل‌نامه فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۱، ص ۶۲-۴۹.
۱۷. بیات، سعیدرضا و همکاران، ۱۳۷۷، «ریخت‌شناسی و ریشه‌شناسی»، کتاب ماه (هنر)، ش ۲، ص ۱۴-۱۲.

۱۸. خانفی، عباس و فیضی گنجین، جعفر، ۱۳۸۶، «تجزیه و تحلیل قصه سمک عیار بر اساس نظریه ولادیمیر پراب»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره ۱۸، ص ۳۳-۵۱.
۱۹. روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد، ۱۳۹۰، بررسی «قصه دیوان در شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه ریخت‌شناسانه ولادیمیر پراب»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره ۱، ص ۱۰۵-۱۲۲.
۲۰. عباسی، سکینه، ۱۳۸۹، «نقد و بررسی قصه گنبد سفید»، (بر اساس قصه هفتم منظومه هفت‌پیکر حکیم نظامی گنجوی)، فصلنامه کاوش‌نامه، سال یازدهم، شماره ۲۰، ص ۲۰۳-۲۲۴.
۲۱. قافله‌باشی، سیداسماعیل و بهروز، سیده زیبا، ۱۳۸۶، «نقد ریخت‌شناسی حکایت‌های کشف‌المحجوب و تذکرة‌الاولیاء» فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره ۱۸، ص ۱۱۷-۱۴۰.
۲۲. قدمیاری، کرمعلی، ۱۳۹۲، «کارکرد عناصر فانتزی در منظومه‌های و همایون»، پژوهشنامه ادب‌غنائی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال یازدهم، شماره بیستم، صص ۲۱۷-۲۳۸.
۲۳. یوسفی نیکو، عبدالمجید، ۱۳۸۹، «ریخت‌شناسی داستان پیامبران در تفسیر طبری و سورآبادی»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه، سال یازدهم، شماره ۲۱، ص ۱۱-۱۴۱.

